

عنوان مقاله:

اندیشه ی پساتوسعه گرایی وگشت فرهنگی بررسی نسبت اقتصاد و فرهنگ در دیدگاه های توسعه

محل انتشار:

فصلنامه روش شناسی علوم انسانی، دوره 9، شماره 35 (سال: 1382)

تعداد صفحات اصل مقاله: 32

نویسنده:

موسی عنبری - دانشجوی دکتری جامعه شناسی توسعه دانشگاه تهران.

خلاصه مقاله:

عصر توسعه آغازی داشته است و باید پایانی نیز داشته باشد. تقریباً دو دهه است که با گسترش انتقادات فلسفی، فرهنگی و اجتماعی از اندیشه مدرنیسم، اندیشه توسعه نیز زوال پذیرفته است، به گونه ای که در توصیف شرایط حاضر از مفاهیمی نظیر «پایان توسعه» و «پسا توسعه» استفاده می شود. مبنای این تغییر در نظریه ها، تذکار پیامدها و اثرات مخرب توسعه بر فرهنگ و طبیعت است. اندیشه توسعه غیرمدرن، پسا غربی و غیردولتی با محوریت فرهنگ و انسان، اساس نظریه پردازی های اخیر در باب توسعه است. این دوره بر خلاف عصر پیشین که با حاکمیت منطق کمیابی و اقتصاد تعریف می شد، با محوریت فرهنگ و تفوق عناصر و عوامل آن در تحولات اجتماعی مشخص می شود. عصر پسا توسعه با نوعی انتقاد فرهنگی به عصر توسعه آغاز می شود و مهم ترین مشخصه آن که در این مقاله بر آن تاکید شده اهمیت حضور فرهنگ در جامعه با نام «گشت فرهنگی» است. این حضور به معنای تغییری از مفاهیم اقتصاد و ماتریالیسم به سوی مفاهیمی نظیر فرهنگ گفتمان است. در گشت فرهنگی نوین سه دیدگاه با محوریت فرهنگ قابل تمیز هستند: فرهنگ اقتصادی شده (فرهنگ به مثابه تجارت)، فرهنگ مدنی (فرهنگ به مثابه مدنیت)، فرهنگ سیاسی (فرهنگ به مثابه هویت) در این مقاله ضمن تبارشناسی مفهومی عبارت توسعه، گفتمان توسعه و پساتوسعه بر حسب عناصر و مولفه های آن خاصه تعامل اقتصاد و فرهنگ، مقایسه شده اند.

کلمات کلیدی:

: توسعه، گشت اقتصادی، پساتوسعه گرایی، گشت فرهنگی، فرهنگ اقتصادی شده، فرهنگ سیاسی، دموکراسی فرهنگی

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/1299612>

